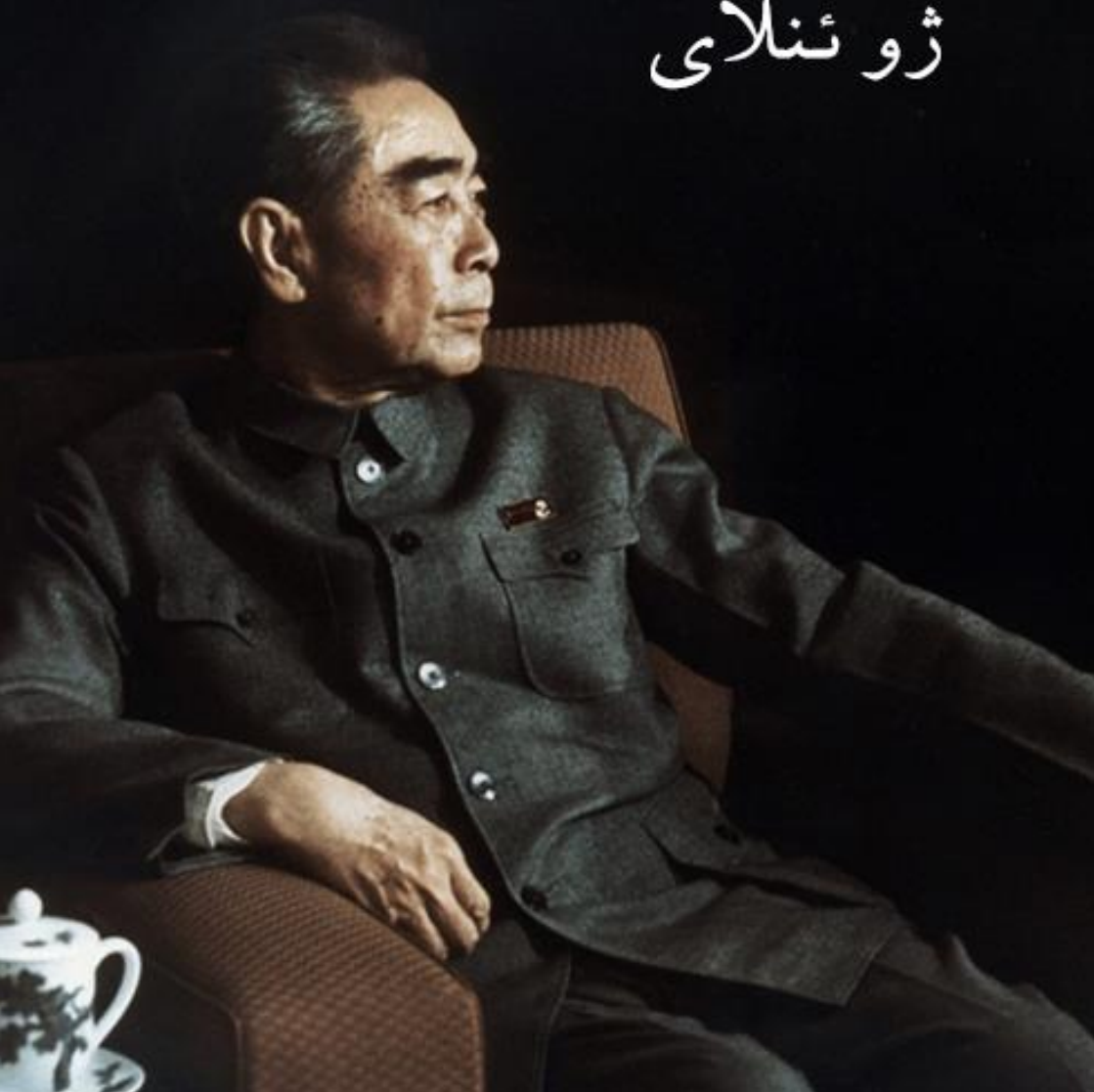


蝉

سه اثر دو نامه

ژو ئنلای





در گندم زار زنجیره می خوانند...



周总理

ژو نئالای که بود؟

ژو نئالای، نخست وزیر و وزیر خارجه جمهوری خلق چین بود. ژو در خانواده‌ای از طبقه بالا به دنیا آمد، اما از همان دوران کودکی نقش برجسته‌ای در جنبش دانشجویی داشت. شرکت فعال او در تظاهرات دانشجویی در جریان نهضت ۴ مه (۱۹۱۹) منجر به دستگیری و زندانی شدن وی شد. پس از آزادی به جمعی از روشنفکران جوان پیوست که به عنوان دانشجوی کارگری به فرانسه رفته بودند. او در آن‌جا با چینی‌هایی ملاقات کرد که نقش تعیین‌کننده‌ای در حزب کمونیست داشتند، مانند دنگ شیائوپینگ و ژودی.

زمانی که ژو در اروپا بود، در ایجاد شاخه‌های مختلف ح‌ک‌چ فعالیت کرد، که نهایتاً در سال ۱۹۲۲ به حزب کمونیست چین پیوست. پس از بازگشت به چین در سال ۱۹۲۴، با متحد شدن کمونیست‌ها و ملی‌گرایان او مدیر بخش سیاسی آکادمی نظامی وامپوآ به ریاست



ژو نئالای، مانوتسه تونگ و ژو د در جنگ داخلی چین

چیانگ کای‌شک شد. در سال ۱۹۲۵ در تیانجین با دنگ ینگچائو ازدواج کرد. این زوج بدون فرزند ماندند، اما بسیاری از فرزندان یتیم «شهدای انقلاب» را به فرزند پذیرفتند. یکی از مشهورترین آن‌ها لی پنگ نخست وزیر چین (پس از قدرت گرفتن تجدیدنظرطلب‌ها در حزب) بود.



ژو نلای در ژنو، ۲۶ آوریل ۱۹۵۴

ژو به طور فعال قیام‌های مسلحانه کارگران را در شانگهای سازماندهی می‌کرد تا زمینه را برای تصرف شهر فراهم کند. هنگامی که سپاه کومینتانگ، در سال ۱۹۲۷ به شانگهای حمله کرد، ژو به سختی توانست از قتل عام کومینتانگ بگریزد. او از طریق هنگ کنگ به مسکو رفت و دوباره به مائو و دیگران در

کوهستان جینگ‌گانشان پیوست. او در راهپیمایی طولانی (۱۹۳۴-۱۹۳۵) شرکت کرد و پس از اینکه ح‌ک‌چ مقر خود را در پین‌آن تأسیس کرد، ژو کم و بیش مسئول تماس‌های خارجی حزب شد. به این ترتیب، او مذاکره‌کننده‌ی اصلی با دولت کومینتانگ در تلاش‌های مختلف برای دستیابی به نوعی توافق همکاری بود.

ژو با کیم ایل سونگ در
امضای معاهده همکاری
و کمک متقابل چین و کره
شمالی در سال ۱۹۶۱



پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، ژو نختست وزیر و وزیر امور خارجه شد. به عنوان مقام دوم کشور، او به طور گسترده به تعداد زیادی از کشورهای آسیا و آفریقا که دولت جدید را به رسمیت می‌شناختند، سفر کرد. در سال ۱۹۵۵، طی اولین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در باندونگ (اندونزی)، ژو با به رسمیت شناختن «پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز» خود به عنوان مبنای همکاری برای کشورهای جهان سوم، به پیروزی بزرگی دست یافت. در کنفرانس باندونگ اشاره شد که چین صرفاً عضو بلوک کمونیستی نیست، بل که خود یک کشور جهان سومی است که رو به توسعه می‌رود. ژو در اکتبر ۱۹۶۶ از تأسیس سازمان‌های رادیکال گارد سرخ حمایت کرد و به چن بودا و جیانگ چینگ علیه گروه‌های «چپ‌گرا» و «راست‌گرا» گارد سرخ پیوست.



ژو نئلای در سفر خود به مصر، با رئیس جمهور جمال عبدالناصر مصر، دسامبر ۱۹۶۳

بعد از انقلاب فرهنگی، مانو برای تعدیل برخی سیاست‌های افراطی گاردهای سرخ، از سیاست‌های ژو نئلای بهره برد. بر اساس زندگی‌نامه‌ی گائو ونکیان محقق سابق دفتر تحقیقات اسناد حزب

کمونیست چین، ژو برای اولین بار در نوامبر ۱۹۷۲ به سرطان مثانه مبتلا شد. با این که در سال ۱۹۷۴، تصمیم گرفته شد که ژو عمل جراحی کند، اما سرطان پیشروی کرده بود و نمی شد برای بهبود وضع او کاری انجام داد. آخرین حضور او در انظار عمومی در اولین جلسه چهارمین کنگره ملی خلق در ۱۳ ژانویه ۱۹۷۵ بود که در آن جا گزارش کار دولت را ارائه کرد. او سپس برای درمان بیشتر از انظار عمومی دور شد.



ژو در سال ۱۹۶۶، سال اول انقلاب فرهنگی (بالی نا، دختر مانو)

ژو نلای عاقبت در ساعت ۰۹:۵۷ روز ۸ ژانویه ۱۹۷۶ در سن ۷۷ سالگی بر اثر سرطان درگذشت. مائو در آن زمان از وضعیت بد جسمانی رنج می برد و همین مسئله سبب شد تا نتواند در مراسم تشییع جنازه یار قدیمی خود شرکت کند؛ با این حال تاج گلی برای مراسم فرستاد.



تشییع جنازه ی ژو نلای در سال ۱۹۷۶

چگونه یک رهبر خوب باشیم

(۲۲ آوریل ۱۹۴۳)

تعریف رهبری

هر کادری ممکن است در زمانی مجبور به انجام عمل رهبری شود و به احتمال بسیار زیاد هم اکنون نیز در حال انجام چنین کاری است. بنابراین، کار رهبری مربوط به همه‌ی سطوح اعم از پایین، میانی و بالاست.

در میان کارکنان هونگیان و زنگ‌جیایان فقط در نوع کار هر کدام تفاوت وجود دارد، اما هیچ تفاوتی بین رهبران آن‌ها نیست، حتی بین کادرها و غیر کادرها تفاوتی وجود ندارد. اگرچه برخی از رفقای شاغل در هونگیان و زنگ‌جیایان، در دفتر «نیو چاینا دیلی» مستقیماً مسئولیت رهبری را بر عهده نمی‌گیرند، اما در واقع رهبر هستند.

موضوعی که یک رهبر باید اتخاذ کند

یک کادر رهبری باید در هر کاری که انجام می‌دهد، موضع حزب را مد نظر داشته باشد. اما این فقط یک بیان کلی است. به طور خاص، یک کادر برجسته باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. جهان‌بینی ثابت مارکسیست-لنینیستی و نگاه انقلابی به زندگی
۲. پایبندی به اصول
۳. ایمان به قدرت مردم
۴. تعهد به مطالعه
۵. روحیه سرسخت یک جنگجو
۶. نظم و انضباط بالا

رهبران و سازمان‌های پیشرو

۱. رهبری جمعی و رهبری هر سطح توسط سطح بالاتر بعدی - رهبری واحد، تمرکز و دموکراسی (بحث و تقسیم کار).
۲. مسئولیت فردی و رهبری فردی - این امر به ویژه در نواحی بزرگ مورد نیاز است و به هیچ وجه رهبری جمعی آن را نفی نمی‌کند.
۳. مداخله و تصمیم‌گیری مستقیم شخصی از بالا - این روش معمول نیست، بلکه در شرایط خاص انجام می‌شود.

رهبری صحیح چیست

اکنون سه نکته‌ای را که استالین زمانی به آن اشاره کرده بود توضیح خواهم داد:

۱. تصمیمات اتخاذ شده باید صحیح باشند. رهبران نخست باید وضعیت را ارزیابی کرده و تغییرات احتمالی را پیش‌بینی کنند و ویژگی‌های شرایط معین را در زمان معین جستجو کنند. دوماً، آن‌ها باید همه‌ی این‌ها را به وظیفه عمومی حزب مرتبط کنند و وظایف و خط مشی را برای یک دوره معین تعیین کنند. سوماً در راستای این سیاست شعارها و تاکتیک‌های متناسب با شرایط را تدوین کنند. چهارماً، آن‌ها باید برنامه‌ها و دستورالعمل‌های واقع‌بینانه را تدوین کنند. آن‌ها باید همه‌ی این کارها را از راه بررسی عمیق و مطالعه شرایط واقعی، پیوند دادن نتایج با اصل و اساس حزب انجام دهند.

۲. تصمیمات صحیح باید اجرا شود. رهبران نخست باید بحث‌هایی را درباره راه‌های اجرای طرح و اجرای دستورالعمل‌ها سازماندهی کنند. دوماً افراد توانمند را با دقت انتخاب، و اجرای طرح را به عهده‌ی آن‌ها بگذارد. سوماً، آن‌ها باید تلاش‌هایی را برای تحقق برنامه حزب سازمان دهند. چهارماً، آن‌ها باید شخصاً در اجرا شرکت کنند تا نمونه باشند. با این کار، آن‌ها می‌توانند از طریق تمرین کشف کنند که آیا خط و تاکتیک حزب درست است یا باید اصلاح شود.

۳. اجرای واقعی تصمیمات باید بررسی شود. روش‌های انجام چنین بررسی‌هایی: (الف) ما باید نتایج ملموس کار را به جای وعده‌ها یادداشت کنیم. (ب) ما نباید صرفاً به برنامه‌های روی کاغذ نگاه کنیم، بلکه باید بپرسیم که آیا وظایف به صورت

وجداناً انجام می‌شوند یا صرفاً به صورت ناخودآگاه. (ج) باید به محتوا توجه کنیم نه اینکه تصمیمی را شکل دهیم و بررسی کنیم که آیا واقعاً یک تصمیم به درستی انجام می‌شود یا در حال تحریف است. (د) بررسی‌ها نه تنها باید از بالا به پایین انجام شود، بلکه باید از پایین به بالا نیز انجام شود. (ه) بررسی‌ها باید منظم و مرتب باشند. و (و) رهبر باید شخصاً در بررسی‌ها شرکت کند.

همان‌طور که استالین گفته است، رهبران باید روابط نزدیک خود را با توده‌ها حفظ کنند و تجربه به دست آمده توسط رهبران و توده‌ها باید ترکیب شود. تنها در این صورت می‌توان رهبری صحیحی داشت.

وظایف رهبری

رفیق مائوتسه تونگ به درستی می‌گوید که وظایف رهبران عبارت‌اند از استفاده‌ی خوب از کادرها و اجرای سیاست‌ها. به نظر من با تفکیک آن‌ها به شرح زیر است:

۱. کادرهای پیشرو باید به رهبری عقیدتی و سیاسی توجه جدی داشته باشند. این مستلزم آن است که آن‌ها مدام سطح ایدئولوژیک خود را بالا ببرند و تربیت سیاسی خود را تقویت کنند. ما از رفقای خود می‌خواهیم که روی موارد زیر تمرکز کنند: (الف) تأکید بر موارد مهم؛ (ب) تشدید هوشیاری سیاسی؛ (ج) ارتقای سطح نظری آن‌ها؛ (د) تشدید مبارزه ایدئولوژیک در داخل و خارج از حزب. و (ه) تبلیغ فعال سیاست‌ها و دستاوردهای حزب.

۲. کادرهای پیشرو باید به رهبری سازمانی فکر کنند. وقتی خط سیاسی مشخص شد، کار تشکیلاتی همه چیز را تعیین می‌کند. ما توجه رفقای خود را به نکات زیر جلب می‌کنیم: (الف) رهبری سازمانی باید به سطح رهبری سیاسی ارتقا یابد. به عبارت دیگر، همه کارها باید اصولی و مرتبط با وظایف سیاسی باشد. (ب) تمام کارهای سازمانی و روزمره باید در خدمت تضمین انجام وظایف سیاسی حزب و تحقق برنامه‌های کاری آن باشد. (ج) باید به رهبری روزمره حزب اهمیت داده شود، به طوری که سازمان‌های حزب به ریشه‌های مردمی نزدیک شوند و کار آن‌ها حتی ملموس‌تر شود. (د) سازمان‌های حزبی و توده‌ها باید بسیج شوند تا برای غلبه بر همه مشکلات تلاش کنند. و (ه) ما باید با همه‌ی اشکال فرصت‌طلبی (مانند حرف‌های پوچ، تکبر، بوروکراسی، فرمالیسم، فساد، انحطاط و غیره) مبارزه کنیم.

۳. در انتخاب کادر و تعیین کار باید احتیاط کرد. این هم جزئی از کارهای سازمانی است، اما می‌توان آن را جداگانه گرفت. هم صلاحیت‌های سیاسی و هم صلاحیت کاری معیارهای ضروری برای انتخاب کادر هستند، اما اعتماد سیاسی اولویت دارد. استالین یک بار به آسیب‌هایی که به حزب وارد می‌شود اشاره کرد، به این ترتیب که مردم انتصباتی را که مطابق با اصول نبودند انجام می‌دادند. او گفت که این افراد هر جا که می‌رفتند توسط یک «همراه» بزرگ تعقیب می‌شدند و آن‌ها فقط کسانی را استخدام می‌کردند که آن‌ها را مردان «خود» می‌دانستند. رفیق مائوتسه تونگ نیز در یکی از گزارش‌های خود در مورد جنبش اصلاحی، چنین افرادی را به دلیل «بی‌صدافتی» مورد انتقاد قرار داد. این شکست «نمایندگان امپراتوری‌ای که به همه جا هجوم آوردند» بود. با توجه به اعتماد سیاسی یک کادر، همچنان استفاده صحیح از او (در پرتو زمان، مکان و شرایط) مهم است.

۴. کار باید بررسی شود. عمل کرد پرسنل شاغل و اجرای برنامه کاری باید بررسی شود. همان طور که استالین گفته است، اهداف بازنگری عبارتند از: اول، شناخت صلاحیت کادرها. ثانیاً، مشخص کردن محاسن و معایب دستگاه اجرایی. و ثالثاً مشخص کردن محاسن و معایب تکالیف یا دستوراتی. برخی از رهبران فکر می کنند که بررسی های این نوع احتمالاً ضعف های آنها را آشکار می کند، اعتبار آنها را مخدوش می کند یا اعتماد به نفس آنها را متزلزل می کند. این نادرست است. رهبران با تصحیح اشتباهات خود، نه با پوشاندن آنها، و با غوطه ور شدن در کار سخت، نه با لاف زدن یا خیال بافی، اعتبار خود را افزایش می دهند. اعتماد به نفس فقط با اصلاح اشتباهات تقویت می شود. تنها کسانی هستند که بیهوده و به فکر حفظ شهرت هستند، از افشای اشتباهات می هراسند.

۵. به میان توده ها بروید. رهبران نه تنها باید توده ها را آموزش دهند، بلکه باید از آنها بیاموزند. دلیل آن این است که دانش خود رهبران ناقص و تجربه ی آنها ناکافی است. مناصب رهبری به خودی خود نمی تواند دانش و تجربه را به ارمان بیاورد، بنابراین باید به سراغ مردم رفت و از آنها تجربه آموخت. از رفقا می خواهیم: (الف) به مردم نزدیک شوید، با آنها ارتباط برقرار کنید و تا حدی با آنها یکی شوید. (ب) به صدای مردم توجه کنید. (ج) از آنها بیاموزید. و (د) آنها را به جای پشت سر گذاشتن، آموزش دهید.

رهبری توده‌ها و دوستی با آن‌ها

۱. توده‌ها مانند اعضای حزب رهبری نمی‌شوند. روشی که ما توده‌ها را با آن رهبری می‌کنیم و نگرشی که نسبت به آن‌ها داریم نباید باعث شود آن‌ها احساس کنند که ما در حال رهبری‌شان هستیم.
۲. روش اساسی رهبری توده‌ها در اقناع است، و قطعاً نه فرمان. فقط در مواقعی که لازم است و اکثریت موافق هستند در حالی که اقلیت هنوز موافق نیستند، می‌توانیم اقلیت را مجبور کنیم که تصمیمات اکثریت را اجرا کند.
۳. خود رهبران باید نقشی مثال‌زدنی در رهبری توده‌ها و دوستی با آن‌ها داشته باشند.
۴. در صورت لزوم، رهبران باید توهین‌هایی را که به آن‌ها می‌شوند را نادیده بگیرند.
۵. رهبران هرگز نباید نقشی را که ایفا می‌کنند یا تأثیری که اعمال می‌کنند دست کم بگیرند و باید محتاطانه و با احتیاط کار کنند.

هنر رهبری

بر اساس هنر رهبری که توسط لنین و استالین توضیح داده شده است، رهبران نباید خیلی جلوتر از یک جنبش حرکت کنند و همچنین نباید از آن‌ها عقب بمانند. بلکه باید تکلیف کلیدی و اصلی را درک کنند و حرکت را به جلو هل دهند.

با توجه به هنر رهبری که توسط رفیق مائوتسه تونگ توضیح داده شده است، آن‌ها باید وضعیت کلی را در نظر بگیرند، بر اساس اکثریت بیندیشند و با متحدان مان همکاری کنند.

روش کار

۱. بررسی اصول و مبانی نظری در جریان مبارزه
۲. تعیین و بررسی خط مشی‌ها در جریان کار مشخص
۳. بهبود کار با روحیه انقلابی
۴. ترویج دموکراسی و تشویق انتقاد و انتقاد از خود
۵. به طور عمده از اقناع استفاده کنید و نه مدیریت. فقط در مواقع اضطراری به سفارشات متوسل شوید.

سبک کار

۱. سبک کار لنین عبارت بود از: حرکت انقلابی روسیه؛ و بهره‌وری آمریکا.
۲. سبک کار رفیق مائوتسه تونگ عبارت است از: داشتن فروتنی و واقع‌گرایی مرم چین؛ سادگی و سخت‌کوشی دهقانان چین؛ عشق به مطالعه و اندیشه عمیق یک روشنفکر؛ انعطاف‌پذیری و خونسردی یک سرباز انقلابی؛ و سرسختی و سخت‌کوشی یک بلشویک.
۳. مبارزه با تمام اشکال فرصت‌طلبی که در کار روزمره آشکار می‌شود. در حال حاضر، ما باید به ویژه با ناهنجاری‌ها، حرف‌های پوچ، گستاخی‌ها، فرمالیسم، روتین‌گرایی و همه‌ی اعمالی که سنت‌های خوب حزب و ارتش را خراب می‌کند، مبارزه کنیم.

خلق چین هرگز تجاوز را تحمل نخواهد کرد

(اکتبر ۱۹۵۰)

یک سال از تأسیس جمهوری خلق چین در ۱ اکتبر ۱۹۴۹ می‌گذرد. این سال، پیروزی بزرگ و پیشرفتی سریع برای مردم چین بوده است. ما سال گذشته را در شرایط پیروزی‌های مستمر در جنگ آزادی‌بخش خلق طی کرده‌ایم.

جنگ آزادی‌بخش خلق چین که در ژوئیه ۱۹۴۶ آغاز شد، پیش از این در آستانه‌ی تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ به پیروزی اساسی دست یافته بود. اما در آن زمان بقایای راهزنان کومینتانگ هنوز منطقه‌ی جنوب چین را اشغال کرده بودند؛ به علاوه‌ی مرکز کانتون، منطقه جنوب غربی چین، با چونگ کینگ، و برخی دیگر از جزایر. در سال گذشته، ارتش آزادی‌بخش خلق تمام جنوب چین و استان فوکین را آزاد کرد. بعداً تمام جنوب غربی چین - به استثنای تبت، جزایر چوشان، جزایر تونگشان و جزایر دیگر - را آزادی بخشید.

ارتش ما ۲۰۳ لشکر دشمن را که شامل حدود ۲۱۸۰۰۰۰ نفر بودند، از میان برداشت. خلق چین ارتش‌های تبهکار کومینتانگ مجهز به سلاح‌های آمریکا را در سرتاسر سرزمین اصلی

چین نابود کردند و این پیروزی عظیم را به دست آوردند. چه درسی می‌توانیم از این بیاموزیم؟
مهم‌ترین درس این است :

چنین پیروزی بزرگی هرگز نمی‌تواند یک پدیده‌ی تصادفی تاریخ باشد، بلکه نتیجه ضروری مبارزات انقلابی فراوان خلق چین در قرن گذشته است. چنین پیروزی عظیم، سریع و همه‌جانبه‌ای را نمی‌توان جدا از حمایت فداکارانه میلیون‌ها نفر تصور کرد.

چین متحد

این پیروزی خلق چین با تمام «اتحادات» تاریخ چین کاملاً متفاوت است. سابقاً «این» و «آن» نوع «اتحاد» وجود داشت، اما متحدان یا از ابتدا ظالم خلق بودند یا بعداً چنین شدند. بنابراین، آن‌ها نتوانستند به یکپارچگی واقعی دست یابند و چنین اتحادهایی پس از مدتی فرو ریختند.

امروز اولین اتحاد مردم چین پدید آمده است. خلق چین خودشان صاحب خاک چین شده‌اند و حکومت مرتجعین در چین به طور غیرقابل برگشتی سرنگون شده است.

از آنجایی که دشمن نابودشده توسط خلق چین توسط دولت ایالات متحده مسلح گردیده است، پس می‌توانیم کاملاً تأیید کنیم که خلق چین نه تنها بر دشمن داخلی پیروز شده، بلکه بر دشمن خارجی - یعنی مداخله جویی‌های امپریالیستی ایالات متحده - نیز پیروز شده است. اگر امپریالیست‌های آمریکایی همچنان بخواهند با هر ابزار جدید و به هر شکل جدید در چین مداخله و به آن حمله کنند، با همان شکستی روبرو خواهند شد که بر کومیتانگ وارد شد.

مبارزه بین مردم چین و بقایای مرتجعین کومینتانگ هنوز به پایان نرسیده است. زیرا تایوان که توسط بقایای ارتجاعی اشغال شده است، اکنون تحت کنترل مستقیم نیروی دریایی و نیروی هوایی آمریکا است.

ارتش آزادی بخش خلق مصمم است تایوان را از چنگ متجاوزان آمریکایی آزاد کند و لانه های دزدان مرتجع را یک بار برای همیشه پاک سازد. مشاهده خواهد شد که در جنگ برای آزادی تایوان، موقعیت استراتژیک ما بسیار بهتر از هر دشمنی است. ما از عدالت الهام گرفته ایم. پشت ما وسیع و مستحکم است و اکنون تلاش خود را برای پیروزی نهایی مضاعف می کنیم. ارتش آزادی بخش خلق نیز مصمم است برای آزادی مردم تبت و دفاع از مرزهای چین به سمت غرب حرکت کند. ما حاضریم برای انجام این گام که برای امنیت سرزمین مادری مان ضروری است، مذاکرات صلح آمیزی انجام دهیم. میهن دوستان تبت به صراحت از این استقبال کرده اند و ما امیدواریم که مقامات محلی تبت در ارائه ی راه حل مسالمت آمیز برای این مسئله تردیدی نداشته باشند.

سیاست خارجی جمهوری خلق چین

سیاست خارجی جمهوری خلق چین به وضوح در برنامه مشترک تصویب شده توسط کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین تعیین شده است. برنامه ی مشترک تصریح می کند: «اصل سیاست خارجی جمهوری خلق چین، حفاظت از استقلال، آزادی، تمامیت و حاکمیت کشور، حمایت از صلح پایدار بین المللی و همکاری دوستانه بین مردمان همه ی کشورها و مخالفت با سیاست تجاوزگرایانه و جنگ امپریالیستی است.»

در مورد برقراری روابط دیپلماتیک و تجاری با کشورهای خارجی، برنامه مشترک تصریح می‌کند: «دولت مرکزی جمهوری خلق چین ممکن است بر اساس برابری، منفعت متقابل و احترام متقابل به سرزمین و حاکمیت، با دولت‌های خارجی‌ای که روابط خود را با گروه ارتجاعی کومینتانگ قطع کرده‌اند و نسبت به خلق چین رفتار دوستانه دارند، مذاکره و ممکن است با آن‌ها روابط دیپلماتیک برقرار کند». «جمهوری خلق چین ممکن است روابط تجاری با دولت‌ها و مردم خارجی را بر اساس برابری و منافع متقابل احیا کند و توسعه دهد». امور خارجی دولت مرکزی خلق در سال گذشته بر اساس این اصول اساسی انجام می‌شد.

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین، هفده کشور با ما روابط دیپلماتیک رسمی برقرار کرده‌اند. آن‌ها عبارتند از: اتحاد جماهیر شوروی، بلغارستان، رومانی، مجارستان، کره، چکسلواکی، لهستان، مغولستان، آلمان، آلبانی، برمه، هند، ویتنام، دانمارک، سوئد، سوئیس و اندونزی. هشت کشور دیگر شامل پاکستان، بریتانیا، سری لانکا، نروژ، اسرائیل، افغانستان، فنلاند و هلند نیز برای برقراری روابط دیپلماتیک با کشورمان ابراز تمایل کرده‌اند. از این میان، چهار کشور بریتانیا، نروژ، هلند و فنلاند همچنان در حال مذاکره برای برقراری روابط دیپلماتیک با کشورمان هستند.

دوستی با اتحاد جماهیر شوروی

جمهوری خلق چین قاطعانه در کنار اردوگاه جهانی صلح و دموکراسی به رهبری اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و نزدیک‌ترین روابط برادرانه را با اتحاد جماهیر شوروی برقرار کرده است. در جریان سفر صدر مائوتسه تونگ به اتحاد جماهیر شوروی، چین و اتحاد جماهیر شوروی

معاهده‌ی دوستی، اتحاد و کمک متقابل چین و اتحاد جماهیر شوروی را امضا کردند که از اهمیت تاریخی جهانی برخوردار است.

به دلیل این معاهده، ملت‌های بزرگ قاره‌های اروپا و آسیا به تعداد نزدیک به ۷۰۰ میلیون نفر جمعیت، در اتحادی نزدیک از نظر نظامی، اقتصادی و فرهنگی متحد شده‌اند و بدین ترتیب قدرت دو کشور را برای محافظت از خود در برابر تجاوزات در شرق بسیار تقویت کرده‌اند. همزمان با امضای این معاهده یا اندکی بعد، چین و اتحاد جماهیر شوروی قراردادهایی را در مورد راه آهن چانگچون چین، پورت آرتور و دیرن امضا کردند، به علاوه موافقت‌نامه اعطای اعتبار به دولت مرکزی خلق جمهوری خلق چین و پنج توافقنامه اقتصادی و تجاری دیگر را.

در این قراردادها، همسایه‌ی بزرگ ما کمک‌های سخاوتمندانه‌ی زیادی به چین در دوره‌ای که از زخم‌های جنگی خود بهبود می‌یابد، هدیه می‌کند. تمام مردم چین از امضا و اجرای معاهده و توافقات چین و شوروی بسیار خوشحال هستند و از دوستی بی حد و حصر خود توسط ژنرال استالین، رهبر اتحاد جماهیر شوروی و دولت و مردم تشکر می‌کنند.

جمهوری خلق چین همچنین قراردادهایی تجاری با لهستان، چکسلواکی و کره امضا کرده است. مذاکرات تجاری با آلمان و مجارستان در حال انجام است. روابط تجاری بین چین و برخی از کشورهای سرمایه‌داری نیز توسعه یافته است. برآورد می‌شود که مجموع تجارت خارجی چین نه تنها به برنامه‌های اولیه برسد، بلکه از آن نیز فراتر خواهد بود.

روابط با کشورهای سرمایه داری

مشکل برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای سرمایه‌داری پیچیده‌تر از برقراری روابط تجاری است. در اینجا ممکن است به خصوص به مذاکرات طولانی مدت ما با بریتانیا اشاره کند که هنوز چیزی از آن به دست نیامده است. دلیل بی‌نتیجه ماندن مذاکرات این است که دولت انگلیس از یک سو به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین را اعلام کرده است و از سوی دیگر موافقت می‌کند که به اصطلاح «نمایندگان» ارتجاعی کومینتانگ به اشغال غیرقانونی کرسی چین در سازمان ملل ادامه دهند.

این امر آغاز روابط رسمی دیپلماتیک بین چین و بریتانیا را دشوار می‌سازد؛ و نگرش بسیار غیرقابل توجه و غیر دوستانه بریتانیا نسبت به ساکنان چینی در هنگ‌کنگ و سایر نقاط نمی‌تواند توجه جدی دولت مرکزی خلق را جلب کند. در طول جنگ آزادی خلق چین، دولت ایالات متحده در کنار دشمن مردم چین قرار گرفت و با تمام قوا به مرتجعین کومینتانگ در حملات آن‌ها به مردم چین کمک کرد. خصومتی که دولت ایالات متحده نسبت به مردم چین دارد از زمان تأسیس جمهوری خلق چین افزایش یافته است.

به‌رغم انتقادهای منصفانه‌ی اتحاد جماهیر شوروی، هند و سایر کشورها، آمریکا سرسختانه مانع از حضور نمایندگان جمهوری خلق چین در سازمان ملل و ارگان‌های مختلف آن می‌شود و با بی‌شرمی از جایگاه به اصطلاح «نمایندگان» مرتجع کومینتانگ محافظت می‌کند. به همین ترتیب، ایالات متحده نمایندگان چین را از حضور در شورای متفقین برای ژاپن منع می‌کند و نقشه‌هایی برای حذف چین و اتحاد جماهیر شوروی در انعقاد معاهده صلح با ژاپن، به منظور تسلیح مجدد ژاپن و حفظ نیروهای اشغالگر و پایگاه‌های نظامی آمریکا در ژاپن، طراحی می‌کند. آمریکا عامدانه حمله‌ی باند سینگمن ری به جمهوری دموکراتیک خلق کره را

برای گسترش تجاوزات خود در شرق جعل کرد و سپس به بهانه‌ی اوضاع کره، نیروی دریایی و هوایی خود را برای حمله به استان تایوان اعزام کرد.

چین اعلام کرد که به اصطلاح «مشکل تایوان» باید توسط سازمان ملل متحد تحت کنترل آمریکا حل شود. علاوه بر این، هر چند وقت یک‌بار، نیروی هوایی خود را که در حال حمله به کره بود، فرستاد تا بر فراز استان لیائوتنگ چین به هوا نفوذ کند، درگیری بسازد و بمباران کند. و نیروهای دریایی خود را که در حال حمله به کره بودند برای بمباران کشتی‌های تجاری چینی در دریاهای آزاد روانه کرد.

با این اقدامات جنون آمیز و خشم‌آگین تجاوزات امپریالیستی، دولت ایالات متحده خود را خطرناک‌ترین دشمن جمهوری خلق چین نشان داده است. نیروهای متجاوز ایالات متحده به مرزهای چین حمله کرده‌اند و ممکن است در هر زمانی تجاوز خود را گسترش دهند. مک آرتور، فرمانده کل تجاوز آمریکا به تایوان و کره، مدت‌ها پیش طرح تهاجمی دولت ایالات متحده را افشا کرد و به ابداع بهانه‌های جدید برای گسترش تجاوز خود ادامه می‌دهد.

در برابر تجاوزات آمریکا

مردم چین قاطعانه با وحشی‌گری‌های تجاوزکارانه‌ی آمریکا مخالفت می‌کنند و مصمم هستند تایوان و دیگر سرزمین‌های چین را از چنگال متجاوزان آمریکایی آزاد کنند.

مردم چین از زمانی که کره مورد تهاجم ایالات متحده قرار گرفت، وضعیت کره را از نزدیک دنبال کردند. مردم کره و ارتش مردمی آن‌ها مصمم و شجاع هستند. آن‌ها به رهبری نخست‌وزیر

کیم ایل سونگ، دستاوردهای قابل توجهی در مقاومت در برابر مهاجمان آمریکایی به دست آورده‌اند و هم‌دردی و حمایت مردم سراسر جهان را جلب کرده‌اند. مردم کره مطمئناً می‌توانند بر مشکلات فراوان خود غلبه کنند و بر اساس اصل مقاومت پایدار و طولانی مدت به پیروزی نهایی دست یابند.

چینی‌ها مردمی صلح طلب هستند. یک‌صد و بیست میلیون چینی قبلاً نام خود را در درخواست تجدیدنظر استکهلم امضا کرده‌اند و این جنبش امضاء در بین مردم چین همچنان در حال توسعه است. بدیهی است که مردم چین پس از آزادسازی کل خاک کشور خود، خواهان بازسازی و توسعه تولیدات صنعتی و کشاورزی و کار فرهنگی و آموزشی خود در محیطی آرام و به دور از تهدید هستند. اما اگر متجاوزان آمریکایی این را نشانه‌ی ضعف مردم چین بدانند، مرتکب همان اشتباه مهلک مرتجعین کومینتانگ خواهند شد.

مردم چین مشتاقانه عاشق صلح هستند، اما برای دفاع از صلح هرگز از مخالفت با جنگ تهاجمی هراسی نداشته و نخواهند داشت! مردم چین مطلقاً تهاجم خارجی را تحمل نخواهند کرد، و همچنین متحمل تهاجم وحشیانه امپریالیست‌ها به همسایگان خود نمی‌شوند. هر که تلاش کند نزدیک به ۵۰۰ میلیون چینی را حذف کند، از سوی سازمان ملل متحد و هر کسی که منافع این یک چهارم جمعیت بشر در جهان را زیر پا بگذارد و بیهوده بخواد هر مشکل شرقی‌ای که مستقیماً با چین مرتبط است را خودسرانه حل کند، قطعاً جمع‌همه‌اش [توسط خلق چین] شکسته خواهد شد.

رهنمود هایی برای خودم

(۱۸ مارس ۱۹۴۳)

۱. با پشتکار مطالعه کن، موارد ضروری را درک کن، به جای کسب دانش سطحی در بسیاری از موضوعات، روی یک موضوع تمرکز کن.
۲. سخت کار کن و برنامه، تمرکز و روش داشته باش.
۳. مطالعه را با کار ترکیب کن و آن‌ها را با توجه به زمان، مکان و شرایط در تعادل مناسب نگه دار. بازننگری و سیستم‌سازی سازی داشته باشد؛ کشف کن و بساز.
۴. بر اساس اصول، قاطعانه با تمام ایدئولوژی‌های نادرست در دیگران و همچنین در خود مبارزه کن.
۵. تا جایی که امکان دارد، از نقاط قوتت نهایت استفاده را کن و گام‌های ملموسی برای غلبه بر نقاط ضعف بردار.

۶. هرگز از توده‌ها بیگانه نشو. از آن‌ها یاد بگیر و به آن‌ها کمک کن. یک زندگی جمعی داشته باش، در مورد نگرانی‌های اطرافیان خود تحقیق کن، مشکلات آن‌ها را بررسی، و از قوانین و نظم و انضباط پیروی کن.
۷. تناسب اندام و زندگی منظم و معقولی داشته باش. این مبنایی مادی برای خودسازی است.

نامه‌ی نخست‌وزیر ژو ئنلای به نخست‌وزیر نهری

(۷ نوامبر ۱۹۵۹)

به جناب آقای جواهر لعل نهری؛ نخست‌وزیر جمهوری هند؛ دهلی نو

جناب آقای نخست‌وزیر محترم

نامه حضرت‌عالی مورخ ۲۶ سپتامبر ۵۹ به دست من رسیده است. مایه تأسف است که متعاقباً درگیری مرزی غیرمنتظره دیگری در ۲۱ اکتبر در داخل خاک چین در منطقه جنوب گذرگاه کونگکا رخ داده. در رابطه با این درگیری، دولت‌های چین و هند پیش‌تر چندین یادداشت از جمله یادداشت ۴ نوامبر دولت هند به چین را رد و بدل کرده‌اند. متأسفانه این یادداشت دولت هند نه تنها از بسیاری جهات حقایق اساسی مسئله مرز بین دو کشور و حقیقت درگیری مرزی را نادیده گرفته، بلکه نگرشی اتخاذ می‌کند که برای روابط دوستانه بین دو کشور بسیار مضر است. بدیهی است که اتخاذ چنین نگرشی به هیچ وجه برای حل مسئله مفید نیست.

در شرایط کنونی، مهم‌ترین وظیفه‌ای که بر دوش ما قرار دارد، اولاً این است که سریع و بدون تردید گام‌های مؤثری در جهت بهبود جدی وضعیت ناآرامی‌ها در مرز دو کشور برداریم و برای رفع کامل آن و هرگونه درگیری مرزی در آینده تلاش کنیم.

از آن جا که مرز چین و هند هرگز مشخص نشده است و بسیار طولانی و بسیار دور یا نسبتاً دور از مراکز سیاسی دو کشور است، بیم آن دارم که اگر راه حل کاملاً مناسبی توسط دو دولت ارائه نگردد، درگیری‌های مرزی ایجاد شود. که هر دو طرف نمی‌خواهند دوباره در آینده شاهد آن باشند. به محض اینکه چنین خط تیره‌ای رخ دهد، هر چند جزئی، افرادی که با دوستی دو کشور ما دشمنی دارند برای رسیدن به اهداف باطنی خود از آن سوء استفاده خواهند کرد. تاریخچه‌ی دوستی دیرینه‌ای بین ما وجود دارد اما هیچ تضاد منافع اساسی بین دو کشور وجود ندارد و دولتهای ما آغازگر پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز هستند. ما هیچ دلیلی نداریم که اجازه دهیم تنش در مرز بین دو کشور ادامه یابد.

نامه ۲۶ سپتامبر جناب عالی حاوی دیدگاه‌های بسیاری است که دولت چین نمی‌تواند با آن‌ها موافقت کند. در این مورد می‌خواهم در فرصتی دیگر نظر خود را بیان کنم. با این حال، خوشحالم که این نامه بار دیگر تاکید می‌کند که دولت هند اهمیت زیادی برای حفظ روابط دوستانه با چین قائل است و با دیدگاهی که دائماً توسط دولت چین مبنی بر اینکه اختلافات مرزی که قبلاً به وجود آمده باید به صورت دوستانه و مسالمت آمیز حل و فصل شوند موافق است. در انتظار توافق، وضعیت موجود باید حفظ شود و هیچ یک از طرفین نباید به هیچ وجه به دنبال تغییر وضعیت موجود باشد. به منظور حفظ مؤثر وضعیت موجود مرزی بین دو کشور، تضمین آرامش مناطق مرزی و ایجاد فضای مساعد برای حل و فصل دوستانه‌ی مسئله مرز، دولت چین پیشنهاد می‌کند که نیروهای مسلح چین و هند هر یک به یکباره ۲۰ کیلومتر از خط موسوم به مک ماهون در شرق، و از خطی که هر طرف کنترل واقعی را بر آن اعمال می‌کند، خارج شود و دو طرف متعهد شوند که از اعزام مجدد پرسنل مسلح خود خودداری و در مناطقی که نیروهای مسلح خود را از آن‌جا تخلیه کرده‌اند گشت زنی نکنند، اما همچنان پرسنل

اداری مدنی و پلیس غیرمسلح را برای انجام وظایف اداری و حفظ نظم در آن جا نگه دارند. این پیشنهاد در واقع تمديد پیشنهاد دولت هند است که در یادداشت مورخ ۱۰ سپتامبر آمده است، مبنی بر این که هیچ یک از طرفین نباید پرسنل مسلح خود را به لونگجو، مرز بین چین و هند بفرستد و به علاوه، این پیشنهادی برای جدا کردن نیروهای این دو کشور است. دو طرف به فاصله ۴۰ کیلومتر. اگر نیازی به افزایش این فاصله وجود داشته باشد، دولت چین نیز مایل است به آن توجه کند. در یک کلام، دولت چین چه قبل و چه پس از تعیین مرز رسمی بین دو کشور از طریق مذاکرات، مایل است تمام تلاش خود را برای ایجاد صلح‌آمیزترین و امن‌ترین مناطق مرزی بین دو کشور به کار گیرد تا دو کشور ما دیگر هرگز به خاطر مسائل مرزی دچار دلهره و درگیری نشوند. اگر این پیشنهاد دولت چین برای دولت هند قابل قبول باشد، اقدامات مشخص برای اجرای آن می‌تواند بلافاصله از طریق کانال‌های دیپلماتیک توسط دو دولت مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

دولت چین هرگز قصد تیره کردن اوضاع مرزی و روابط دو کشور را نداشته است. من معتقدم که جنابعالی نیز آرزوی کاهش تنش موجود را دارید. من صمیمانه امیدوارم که به خاطر دوستی طولانی و بزرگ بیش از یک هزار میلیون نفر از مردم دو کشورمان، دولت‌های چین و هند تلاش‌های مشترکی انجام دهند و در مورد پیشنهاد فوق به توافق سریع دست یابند.

دولت چین پیشنهاد می‌کند به منظور بحث بیشتر در مورد مسائل مرزی و سایر مسائل در روابط دو کشور، نخست وزیران دو کشور در آینده‌ی نزدیک با یک‌دیگر گفتگو کنند.

جناب آقای نخست وزیر محترم! مردم دو کشور می‌خواهند که ما به سرعت عمل کنیم. من فکر می‌کنم ما باید خواسته‌های آن‌ها را برآورده کنیم و اجازه ندهیم کسانی که به دنبال هر

فرصتی برای برهم زدن دوستی بزرگ بین چین و هند هستند به هدف شوم خود برسند. منتظر پاسخ زودهنگام جنابعالی هستم.

از این فرصت استفاده می‌کنم و احترامات صمیمانه خود را به شما اعلام می‌کنم.

(امضا) ژو نلای

نخست‌وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین

نامه به سران دولت

(پکن ریویو، شماره‌ی ۳۲، صفحه‌ی ۷؛ ۹ آگوست ۱۹۶۳)

عالیجنابان؛

دولت چین در ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۳ بیانه‌ای صادر کرد که در آن پیشنهاد برگزاری کنفرانسی از سران دولت همه کشورهای جهان برای بحث در مورد منع کامل، نهایی و قاطعانه برای انهدام سلاح‌های هسته‌ای شد. متن این پیشنهاد به شرح زیر است:

«دولت جمهوری خلق چین بدین وسیله موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:

- (۱) همه کشورهای جهان، اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای، صریحاً اعلام کنند که سلاح‌های هسته‌ای را کامل و قاطعانه منع و نابود خواهند کرد. به طور مشخص، آن‌ها از تسلیحات هسته‌ای استفاده نخواهند کرد، نه صادرات، نه واردات، نه ساخت، نه آزمایش، و نه انباشت آن. و تمامی تسلیحات هسته‌ای موجود و وسایل حمل و نقل آن‌ها را در جهان نابود خواهند کرد و تمامی تاسیسات موجود برای تحقیق، آزمایش و ساخت سلاح‌های هسته‌ای در جهان را منحل خواهند کرد.
- (۲) به منظور انجام تعهدات فوق مرحله به مرحله، ابتدا باید اقدامات زیر اتخاذ شود: آ. همه پایگاه‌های نظامی، از جمله پایگاه‌های هسته‌ای، در خارج از مرزهای خود را را برچیده و تمام سلاح‌های هسته‌ای و وسایل ارسال آن‌ها را از بیرون مرزهای خود خارج کنید. ب. ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در منطقه آسیا و اقیانوسیه،

از جمله ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، چین و ژاپن؛ منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در اروپای مرکزی؛ منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای آفریقا؛ و منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در آمریکای لاتین. کشورهایی که دارای سلاح هسته‌ای هستند باید در مورد هر یک از مناطق عاری از سلاح هسته‌ای تعهدات لازم را انجام دهند. ج. از هر شکل صادرات و واردات سلاح هسته‌ای و اطلاعات فنی ساخت آن‌ها خودداری شود. د. تمام آزمایش‌های هسته‌ای، از جمله آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی متوقف شود.

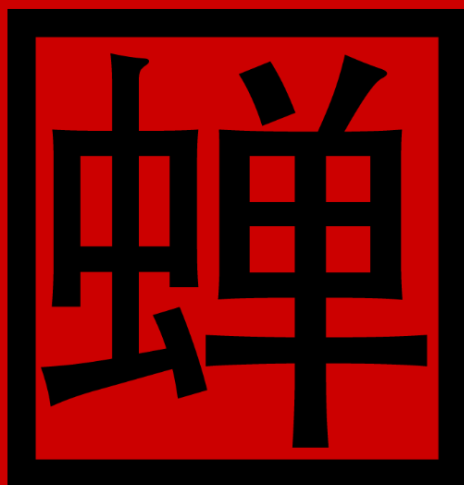
(۳) کنفرانسی از سران دولت‌های کلیه کشورهای جهان تشکیل شود تا در مورد منع و انهدام کامل سلاح‌های هسته‌ای و موضوع اتخاذ تدابیر چهارگانه فوق‌الذکر به منظور تحقق گام‌های لازم، یعنی ممنوعیت کامل و انهدام سلاح‌های هسته‌ای بحث شود.»

با توجه به تمایل فوری مردم جهان برای رفع تهدید جنگ هسته‌ای و برای حفظ صلح و امنیت جهان، دولت چین عمیقاً امیدوار است که پیشنهاد آن مورد توجه و پاسخ مثبت دولت کشورهای شما قرار گیرد.

لطفاً عالی‌ترین احترام من را پذیرا باشد.

(امضا) ژو نلای

نخست وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین



ما را در تلگرام دنبال کنید: @zanjarehh